

# بختی پیرامون اصول و قواعد به کارگیری سلاح گرم توسط پلیس از منظر حقوق بین الملل، حقوق رومی ژرمنی و حقوق ایران

محمد رضوی<sup>۱</sup>، حمید آرای<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۶

از صفحه ۸۷ تا ۱۱۲

## چکیده

یکی از ابزارهای مهم هر حکومت در اجرای قانون، پلیس آن کشور است که به کارگیری و استفاده از سلاح گرم توسط آن‌ها نیز در همین راستا تجویز شده است. در کشور ما نیز هم سازمان‌های نیروهای مسلح به‌ویژه ناجا و هم دستگاه قضایی به تناوب شاهد مسئله شکایت از مأمور پلیس به خاطر استفاده از سلاح علیه شهروندان است، لذا تدوین قانون مناسبی که ضمن در نظر گرفتن این اختیار قانونی برای مجموعه پلیس، از بروز آسیب‌های مختلفی جلوگیری نماید که ممکن است در اثر استفاده این ابزار پدید آید، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های قانون‌گذاران در کشورهای مختلف از جمله ایران است. از آنجا که شیوه‌ها، شرایط، افراد و نیز مسئولیت‌های حقوقی مأموران پلیس در نظام‌های حقوقی در این خصوص متفاوت است، مقایسه و نیز استفاده از تجربیات کشورهای پیشرفته رومی ژرمنی و دیگر کشورها می‌تواند در بهبود شیوه به کارگیری سلاح توسط پلیس و کاهش آسیب‌های جانی و مالی ناشی از آن مؤثر بوده و کشور ما را در تدوین قانون جامع در این زمینه که خالی از هرگونه اشکال و ایراد باشد یاری رساند. لذا در این پژوهش به شیوه تطبیقی و مطالعه کتابخانه‌ای به بررسی و مقایسه نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی، کامن‌لا، حقوق بین‌الملل در زمینه استفاده از سلاح گرم توسط پلیس پرداخته شده و ضمن تطبیق آن با قوانین پلیس ایران، اشکالات و ابهاماتی که در مقررات کشور ما وجود دارد مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و این نتیجه حاصل شد که هم در آموزش نیروهای پلیس و هم در تدوین قانون جامع به کارگیری سلاح یک بازنگری کلی با نگرشی نوین اجتناب‌ناپذیر است.

## کلید واژه‌ها

به کارگیری سلاح، پلیس، موارد ضرورت، شرایط و اصول، حقوق رومی ژرمنی.

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

۲- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، (hamid\_araei@yahoo.com)

## مقدمه

نقش پلیس زمانی مطرح شد که «سر رابرت پیل»<sup>۱</sup> در سال ۱۸۲۹ در لندن، پلیس را به‌عنوان یک شغل و حرفه پایه‌ریزی نمود (پرز<sup>۲</sup> ۲۰۰۳: ۱۶). اداره امور پلیسی به شکل پیشرفته با تشکیل پلیس شهری لندن که او در سال ۱۸۲۹ آن را بنیان‌گذاری کرد، آغاز شد؛ در زمانی که نیروی پلیس در کلان‌شهر لندن مستقر شده بود، در ایالات متحده هنوز هم شیوه نگهبانی شب و روز، مشابه شیوه سابق در انگلستان رایج بود. سازمان پلیس یک سازمان دولتی است که مهم‌ترین مأموریت و مسئولیتش برقراری و حفظ نظم و امنیت در جامعه است، لذا نمی‌توان انکار نمود که وجود یک پلیس مقتدر و باصلاحیت می‌تواند به سایر بخش‌های یک جامعه در رسیدن به توسعه و پیشرفت همه‌جانبه آن جامعه در سایه احساس امنیت و آسایش عمومی و در نهایت نیل به جامعه‌ای ایده‌آل و مطلوب یاری رساند (بهارتی<sup>۳</sup> ۲۰۰۶: ۲۲).

گاهی استفاده از زور و کاربرد سلاح برای مأموران پلیس اجتناب‌ناپذیر است (کوئینگ<sup>۴</sup> ۲۰۰۶: ۲۳). شدیدترین نوع استفاده از قوه قهریه توسط حکومت‌ها در مبارزه با اخلال‌گران نظم و امنیت عمومی، به شکل مشهود آن، استفاده از برخورد‌های پلیسی مسلحانه با این‌گونه عوامل است. در این پژوهش جنبه اقتدارگرایانه پلیس یعنی اصول و شرایط حاکم بر کاربرد سلاح توسط نیروی پلیس در راستای استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی در قوانین پلیس ایران و کشورهای رومی ژرمنی به‌ویژه آلمان، فرانسه و بلژیک و همین‌طور برخی مقررات به‌کارگیری سلاح توسط پلیس از منظر حقوق بین‌الملل مدنظر خواهد بود. تدوین یک سیاست صحیح استفاده از سلاح، برای مأموران پلیس نحوه به‌کارگیری و

1. Art. 10 : Toute personne appréhendée est placée sous la responsabilité et la protection de la police; elle ne doit subir, de la part des fonctionnaires de police ou de tiers, aucune violence ni aucun traitement inhumain ou dégradant. Le fonctionnaire de police qui serait témoin d'agissements prohibés par le présent article engage sa responsabilité disciplinaire s'il n'entreprend rien pour les faire cesser ou néglige de les porter à la connaissance de l'autorité compétente. Le fonctionnaire de police ayant la garde d'une personne dont l'état nécessite des soins spéciaux doit faire appel au personnel médical et, le cas échéant, prendre des mesures pour protéger la vie et la santé de cette personne.

2. Perez

3. Bharti

4. Kwing

حمل آن را قانونمند نموده و برای افکار عمومی نیز این امر را به صورت قابل قبول نهادینه می‌نماید و از سوی دیگر امنیت نیروهای پلیس و مردم را در سطح جامعه به نحو مقتضی تضمین می‌نماید (رامسی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱: ۹).

### چالش‌های پلیس در اجرای صحیح قانون به‌ویژه قانون استفاده از سلاح

پلیس از هرگونه خشونت و رفتار غیرانسانی و اهانت‌آمیز پرهیز نماید و افرادی که توسط نیروی پلیس بازداشت می‌شوند باید تحت حمایت و مسئولیت خودشان باشند و حتی چنانچه فرد بازداشت‌شده نیاز به مراقبت‌های ویژه پزشکی داشته باشد، افسران پلیس باید این مسئله را لحاظ نمایند که ماده ۱۰ قانون اخلاق پلیس ملی فرانسه به خوبی به این مسئله اشاره نموده است. گاهی رفتار مأمور پلیس منجر به مشکلات و ناملایمات جدیدی برای شاکی و عدم جبران به موقع خسارات مادی و معنوی او می‌شود (استفن<sup>۲</sup> ۱۹۹۵: ۷۲). توسل به زور لازمه کاری فعالیت پلیس است و در بسیاری از شرایط، بقا و حیات افسران پلیس یا شهروندان ممکن است به خاطر عدم استفاده از زور، درحالی که توسل به آن ضروری بوده است به مخاطره افتد یا اینکه مأمور پلیس از آن به نحو نامناسب استفاده کند (ویتیه<sup>۳</sup> ۲۰۰۸: ۱۷).

استفاده از زور توسط نیروی پلیس به عنوان موضوع بحث در محافل علمی، تقریباً از ۴۰ سال پیش شروع شده است. در آن زمان‌ها، طبیعت و گستره‌ی استفاده از زور توسط پلیس و شرایطی که بر عملکرد آنان تأثیر می‌گذارد مورد بحث و بررسی بوده است (اسمیث<sup>۴</sup> ۲۰۱۰: ۱). هدف اولیه پلیس حفاظت و حمایت از شهروندان جامعه است و لذا استفاده از حربه زور به منظور ارتقای امنیت عمومی است و مأمور پلیس باید بداند که گرچه استفاده از زور در مواردی که قانون به او تجویز می‌کند، مجاز هست، لیکن تخطی از این حق مشروع در مواردی برای او مسئولیت‌زا خواهد بود (آدامس<sup>۵</sup> ۱۹۹۹: ۱).

---

1. Ramsey  
2. Stephen  
3. Wittie  
4. Smith  
5. Adams

## شرایط و اصول به‌کارگیری سلاح توسط پلیس از منظر حقوق ایران، حقوق

### رومی ژرمنی و حقوق بین‌الملل

قبل از ورود به بحث پیرامون به‌کارگیری سلاح ضروری است ویژگی‌های نظام‌های حقوقی یادشده مورد اشاره قرار گیرد. در حقوق رومی - ژرمنی که به آن عنوان نظام اروپای بری نیز اطلاق می‌شود، یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های آن، استفاده از کدهای قانونی برای تنظیم روابط حقوقی افراد و تعیین ضمانت‌اجراهای لازم است. در واقع، قاضی باید حکم هر عنوان حقوقی یا مجازات قانونی را در قوانین مدونه بیابد و خارج از این چارچوب او هیچ مجوزی ندارد. برخلاف نظام حقوقی نوشته، در نظام حقوقی کامن‌لا استناد قاضی صرفاً به آراء و رویه‌های قضایی است که از گذشته در خصوص موضوعات مختلف به‌جای مانده است و قانون به آن شکلی که در نظام حقوقی رومی - ژرمنی کاربرد دارد، حایز اهمیت نیست. حقوق بین‌الملل نیز از قواعدی برخوردار است که بر اساس معاهدات و کنوانسیون‌های بین‌المللی برای همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد جنبه الزام‌آوری دارد و تخطی از قواعد آن ممکن است موجب مجازات کشور متخلف بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل شود. گرچه حقوق بین‌الملل از قواعد نسبتاً منسجمی برخوردار است، اما همچنان یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های آن فقدان ضمانت‌اجرای (sanction) قوی و با پشتوانه است. حقوق ایران به‌عنوان یکی از کشورهای عضو سازمان ملل، گرچه خود از اصالتی کهن برخوردار است، ولی نظام حقوقی مدرن ایران بیشتر متأثر از نظام حقوقی رومی - ژرمنی یا حقوق نوشته بوده که در آن قانون نقش اصلی را ایفا می‌کند. در ذیل به بررسی اصول و شرایط حاکم بر کاربرد سلاح توسط پلیس در هر یک از این نظام‌های حقوقی پرداخته می‌شود.

### ۳-۱- از منظر حقوق بین‌الملل

#### ۳-۱-۱- شرایط و اصول به‌کارگیری سلاح توسط پلیس

قرن ۲۱ میلادی تغییر و تحولات بسیاری با خود به همراه داشته است، به‌طوری‌که این نگاه سنتی که زور و سلاح باید در موارد استثنایی مورد استفاده قرار گیرد مورد تردید قرار گرفت و این مسئله به‌ویژه بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نمود

بیشتری به خود گرفت (واتکین<sup>۱</sup> ۲۰۰۴: ۱). چهارچوب حقوق عملیات امنیت داخلی مشتمل بر حقوق بین‌الملل بشر و حقوق داخلی است؛ اما به‌طور کلی، حقوق بشر و حقوق داخلی می‌بایست باهم تداخل داشته باشند. حقوق داخلی، به‌خصوص در زمینه استفاده از زور و اسلحه گرم و رفتار با اشخاص می‌بایست با مقررات و هنجارهای حقوق بین‌المللی بشر مطابقت داشته باشد. از دیدگاه عملی، این امر به معنای آن است که در آموزش‌های نظامی، حقوق بین‌المللی بشر و حقوق داخلی باید اساساً یکسان تلقی شوند. لذا چهارچوب حقوقی امنیت داخلی تنها حاوی دو عنصر است، اول: مقررات پیش‌بینی‌شده به‌موجب حقوق بین‌المللی بشر و حقوق داخلی و دوم: حقوق مخاصمات مسلحانه در صورت تسری به اوضاع و احوال موجود (ملل متحد<sup>۲</sup> ۲۰۰۴: ۲۳).

این استفاده از زور است که بیش از هر چیز دیگر عملیات امنیت داخلی را از عملیات انتظامی متمایز می‌کند. ماده ۳ کردارنامه مأموران انتظامی پیش‌بینی کرده است: «مأموران انتظامی صرفاً در شرایطی که ضرورت قطعی وجود داشته و تا حدی که برای انجام وظایفشان نیاز باشد می‌توانند از زور استفاده کنند» (راجرز و مالرب ۱۳۸۷: ۲۴۴). استفاده از زور یک امر استثنایی است و در عملیات امنیت داخلی توسل به «قوه قهریه کشنده» آخرین راه حل به شمار می‌آید. جز با مجوز قانونی به هیچ‌وجه نباید از زور استفاده شود. وضعیت‌هایی که نیروهای نظامی ممکن است در عملیات امنیت داخلی به‌زور متوسل شود با توجه به قوانین داخلی عبارت‌اند از:

۱. دفاع از خود (که این شامل دفاع از دیگران نیز می‌شود)؛
۲. پیشگیری از وقوع جرم؛
۳. کنترل اجتماعات عمومی؛
۴. دستگیری.

اصول ضروری زیر در همه شرایط برای استفاده از زور و اسلحه گرم اعمال می‌شود. این اصول در مجموع، محیط محدودکننده‌ای برای این منظور ایجاد می‌نمایند.

۱. مشروعیت: یک هدف قانونی نظیر دفاع از خود، دستگیر کردن یک فرد، یا

پیشگیری از وقوع جرم باید استفاده از زور را توجیه کند.

۲. ضرورت: استفاده از زور باید به این دلیل که سایر اقدامات برای دستیابی به هدف مشروع ناموفق بوده یا احتمال ناموفق بودن آن می‌رود، ضرورت داشته باشد. این شرط مستلزم آن است که گزینه‌های دیگری غیر از توسل به زور آزمایش شده باشد. این شرط همچنین ایجاب می‌کند که پاسخ‌ها به صورت مرحله‌به‌مرحله داده شود. به‌عنوان مثال، با استفاده از سلاح‌های غیر کشنده نمایش سلاح، پر کردن (خشاب‌گذاری) سلاح، شلیک تیر، اخطار و غیره. عنصر دیگر این اصل آن است که خطر باید عاجل باشد نه دور از دسترس.

۳. تناسب: استفاده از زور باید متناسب با خطر موجود و هدف مشروعی باشد که تحقق خواهد یافت. این سه مورد که در فوق ذکر شد از شرایط ضروری برای استفاده از سلاح توسط یک مأمور مسلح است که باید مورد توجه قرار گیرد (جوهنسون<sup>۱</sup> ۲۰۰۷: ۸).

به‌موجب مقررات و هنجارهای حقوق بین‌المللی بشر (و حقوق داخلی)، استفاده از اسلحه گرم یک‌قدم استثنایی است که باید به‌عنوان آخرین اقدام مدنظر باشد. این امر به‌خصوص در مورد نیروهای نظامی مصداق پیدا می‌کند که خط‌مشی آن‌ها بر شلیک به سمت مرکز تجمع قابل مشاهده استوار است تا شلیک باهدف مجروح کردن (فريزندروف<sup>۲</sup> ۲۰۱۲: ۶).

سلاح گرم را فقط در وخیم‌ترین شرایط باید استفاده نمود و لذا صرفاً در موارد زیر می‌توان آن را به‌کار گرفت:

۱. در دفاع از خود یا دیگران در برابر خطر فوری مرگ یا صدمه جدی.
۲. برای پیشگیری از جرایم شدیدی که با خطر جانی جدی همراه است.
۳. برای دستگیر کردن یا جلوگیری از فرار کسی که موجب چنین تهدیدی می‌شود و در مقابل تلاش‌هایی که برای متوقف کردن این تهدید صورت می‌گیرد، مقاومت می‌نماید.
۴. در هر صورت تنها در مواقعی که اقدامات خفیف‌تر از آن کفایت نکنند؛ بنابراین

1. Johnson

2. Friesendorf

استفاده عمدی و مهلک از سلاح گرم را تنها باید در شرایطی مجاز دانست که برای حمایت از جان اشخاص، این امر قطعاً اجتناب‌ناپذیر باشد (ماده ۹ اصول اولیه استفاده از زور و سلاح گرم).

اگرچه وجود تحقق شرایط فوق‌الذکر برای استفاده از سلاح گرم ضروری است، اما حتی با وجود این شرایط نیز مأمور مسلح در حین انجام مأموریت خود باید سلسله‌مراتب به کارگیری سلاح گرم را رعایت کند. لذا با این فرض که شرایط استثنایی فوق وجود داشته باشد، ماده ۱۰ اصول اولیه استفاده از زور و سلاح گرم پیش‌بینی کرده که دستورالعمل‌های زیر برای اخطار قبل از شلیک اعمال شود: بنابراین مأمور انتظامی باید قبل از شلیک آتش:

۱. خود را معرفی کند؛
۲. اخطار صریحی بدهد مبنی بر اینکه قصد شلیک آتش دارد؛
۳. مهلت کافی برای اطاعت از اخطار داده شود؛
۴. در صورتی که تأخیر موجب مرگ یا آسیب جدی به مأمور یا دیگران می‌شود رعایت این شرط ضرورت ندارد؛
۵. در اوضاع و احوال موجود، اخطار بی‌معنی یا بی‌مورد باشد (بوتی<sup>۱</sup>: ۲۰۰۵: ۲۳).

### ۳-۱-۲- به کارگیری سلاح در تظاهرات عمومی و تجمعات غیرقانونی

کنترل و پراکنده کردن تجمعات و تظاهرات عمومی می‌بایست به‌عنوان مسیولیت اولیه پلیس نظامی باقی بماند. در وهله اول باید گزینه‌های غیر کشنده‌ای از قبیل تجهیزات تدافعی، باتون، ماشین‌های آبپاش و گاز ضدشورش، مدنظر قرار گیرند (بلیکبورن<sup>۲</sup>: ۲۰۰۳: ۳۴). مأموران انتظامی در پراکنده کردن تجمع‌های غیرقانونی اما غیرخشن باید از کاربرد زور خودداری کرده و در شرایطی که این کار عملی نیست، استفاده از زور را به حداقل مقدار لازم محدود کنند (ماده ۳ اصول اولیه استفاده از زور و سلاح گرم).

برای متفرق کردن تجمع‌های خشونت‌آمیز، مأموران انتظامی تنها هنگامی می‌توانند

1. Butty  
2. Blackburn

از اسلحه گرم استفاده نمایند که روش‌های با خطر کمتر عملی نباشند، استفاده از زور فقط در حداقل اندازه لازم باشد و فقط با شرایط مذکور در ماده ۹ اصول اولیه استفاده از زور و سلاح گرم این کار صورت گیرد (نگاه کنید به بند ۲۲۱۵ فوق در مورد استفاده از اسلحه گرم قوه قهریه مهلک) (ایرس<sup>۱</sup> ۲۰۰۳: ۱۱۹۳).

### ۳-۲- از منظر حقوق رومی ژرمنی

#### ۳-۲-۱- در حقوق آلمان، فرانسه و هلند

در حقوق آلمان وظایف پلیس در بخش ۱۶۳ قانون آیین دادرسی مدنی این کشور مورد اشاره قرار گرفته است (بریان<sup>۲</sup> ۲۰۱۱: ۹۳). دوره‌های آموزشی در ۵ مرکز مختلف آموزشی برگزار می‌شوند. این مراکز آموزش به‌طور تنگاتنگ با ادارات پلیس کار می‌کنند. پایه و اساس فلسفه آموزش در پلیس آلمان این است که افسران پلیس نیازمند برخورداری از مهارت‌های شخصی خاصی هستند که نمی‌توان آن‌ها را طی آموزش به دست آورد، اما این مهارت‌ها توسط آموزش حمایت می‌شوند. این بدان معناست که متقاضی بایستی قبل از ملحق شدن به نیروی پلیس از این مهارت‌های شخصی برخوردار باشد. رویکرد آلمانی‌ها نسبت به آموزش این است که علاوه بر طول دوره آموزش مقدماتی و پیشرفته، موضوعات خاص آموزشی در آن‌ها گنجانیده شده‌اند و زمانی به این موضوعات اختصاص یافته است (هابرفیلد ۱۳۸۶: ۳۹۸). ولی قانون اسلحه کشور آلمان (WaffG)<sup>۳</sup> مصوب ۱۱ اکتبر ۲۰۰۲ با اصلاحات بعدی، در قسمت ۵ بخش ۵۵ آن استثنائات اجرای این قانون را مورد اشاره قرار می‌دهد که در بند ۴ استثناء اول مقرر می‌دارد که پلیس محلی و فدرال از مقررات این قانون استثناء بوده و در مواردی که افسران پلیس و مأموران عمومی، بر اساس وظایف نظامی خود مجاز به انجام اقدامی در راستای اهداف از پیش تعیین شده خود هستند می‌توانند مطابق شرایط و با لحاظ مقررات قانونی از سلاح خود استفاده لازم را داشته باشند (آلپرت<sup>۴</sup> ۲۰۰۱: ۳۹۴).

قانون‌گذار آلمان برای نیروهای پلیس استفاده از زور و به‌ویژه سلاح را تنها در

---

1. Ayres  
2. Brian  
3. Weapons Act  
4. Alpert



موارد خاصی تجویز نموده است که صرفاً در صورت وجود آن شرایط استفاده از سلاح برای افسران پلیس مجاز و مشروع خواهد بود که این دلایل عبارت‌اند از:

۱- برای حفاظت از جان یا مال دیگران؛

۲- برای حفاظت و تأمین حفظ جان خود؛

۳- برای کشتن یک مجرم (به‌عنوان مثال گروگان‌گیر خطرناک).

بنابراین، تنها در سه مورد فوق مأموران پلیس در آلمان حق استفاده از زور و در صورت لزوم استفاده از سلاح را حین مأموریت خود خواهند داشت (فلتز<sup>۱</sup> ۲۰۰۵: ۱). در حقوق فرانسه نیز بر اساس ماده ۹ از بخش نخست قانون اخلاق پلیس ملی<sup>۲</sup>، چنانچه مأموران پلیس به‌موجب قانون مجاز به استفاده از زور و به‌ویژه استفاده از سلاح خود باشند، شدت استفاده از آن نمی‌تواند بیشتر از مقدار ضرورتی که در آن شرایط لازم است باشد و از طرف دیگر کیفیت استفاده از زور و به‌کارگیری سلاح باید متناسب باهدفی باشد که در نظر گرفته‌شده است (لودویگ<sup>۳</sup> ۲۰۰۳: ۵۴).

نیروهای پلیس در هلند به‌طور فزاینده‌ای سلاح خود را در حین انجام فعالیت خود نشان می‌دهند و در بسیاری موارد از آن استفاده می‌نمایند. در این خصوص سخنان سخنگوی<sup>۵</sup> شورای فرماندهی پلیس هلند<sup>۶</sup> در روزنامه «De Volkskrant» قابل توجه به نظر می‌رسد: «در گذشته ما برای مقابله با خشونت بی‌میل بودیم، اما امروزه و در حال حاضر شما باید خیلی سریع اسلحه خود را نشان داده و اقدام به شلیک و تیراندازی به‌عنوان یک ابزار تهدیدآمیز استفاده نمایید و در صورتی که ضروری دانستید به آتش گشودن اقدام نمایید و چنانچه این کار تأثیر کافی را نداشت، شما می‌توانید به پاهای شخص مظنون در صورتی که لازم دانستید تیراندازی نمایید» (هودیگ<sup>۷</sup> ۲۰۱۲: ۱). این‌ها به‌خوبی اهمیت استفاده از زور و سلاح توسط پلیس

1. Feltes

2. Code de déontologie de la police nationale

3. Ludwig

4. Art. 9 : Lorsqu'il est autorisé par la loi à utiliser la force et, en particulier, à se servir de ses armes, le fonctionnaire de police ne peut en faire qu'un usage strictement nécessaire et proportionné au but à atteindre.

5. Raad van Korpschefs

6. Council of Police Chiefs

7. Hudig

هلند را نشان می‌دهد. در این کشور نیز توسل به زور و استفاده از سلاح توسط پلیس با لحاظ شرایطی که قانون‌گذار آن کشور تصریح کرده، است. در هلند بر اساس ماده ۸ قانون پلیس مصوب ۱۹۹۳م، نیروی پلیس تنها زمانی می‌تواند از سلاح خود استفاده کند که شرایطی که در آن قرار دارد استفاده از سلاح گرم را توجیه نماید و اینکه توسل به ابزار دیگری غیر از سلاح گرم برای مأمور پلیس امکان‌پذیر نبوده یا کافی نباشد.

وظایف پلیس در قانون پلیس ۱۹۹۳ و دستورالعمل شغلی مأموران رسمی ۱۹۹۴ میلادی آمده است. به‌گونه‌ای که در ماده قانون اخیرالذکر آمده است: استفاده از سلاح تنها در صورتی برای نیروی پلیس مجاز شناخته می‌شود که: ۱- افسری که سلاح برای انجام وظیفه‌ای دریافت کرده است تا زمانی که برای کاری که در راستای انجام آن اسلحه اختصاص داده شده است. ۲- برای افسری که مهارت استفاده و به‌کارگیری سلاح را داشته باشد. پلیس هلند تنها برای حفظ جان خود و دیگران در مقام دفاع یا تعقیب و دستگیری فردی که بر اساس قراین و شواهد مظنون به ارتکاب جرمی است حق به‌کارگیری سلاح را خواهد داشت (اندرسون<sup>۱</sup>: ۲۰۱۰: ۱۶ و ۱۷).

### ۳-۲-۲- در حقوق نروژ و دانمارک

در نروژ «اداره پلیس ملی»<sup>۲</sup> زیر نظر دیوان عدالت و پلیس قرار گرفته است. وظیفه اصلی و اولیه اداره پلیس ملی مدیریت حرفه‌ای، نظارت و توسعه پلیس نروژ در راستای اهداف و چارچوبی است که توسط وزارت مشخص شده است. اداره پلیس ملی در قبال خسارتی که نیروهای پلیس و هم‌مین‌طور واحدهای پلیسی ویژه به افراد دیگر جامعه وارد می‌کنند مسئولیت دارد. سازمان پلیس نروژ به ۲۷ منطقه و حوزه تقسیم می‌شوند که هریک خود در شهرها و محله‌های کوچک‌تر منشعب می‌گردند (کیلنگرن<sup>۳</sup>: ۲۰۱۰: ۷). در نروژ بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ میلادی، تعداد حوادثی که مأموران پلیس از سلاح خود برای تهدید مظنونین استفاده نموده‌اند بین ۱۵ تا ۲۹ درصد در سال بوده است. در نروژ نیروی پلیس اصولاً از توسل به زور و

1. Anderson  
2. National Police Directorate  
3. killengreen

استفاده از سلاح که منجر به خشونت یا آسیب‌های جدی شود منع شده است، لیکن در مواردی که قانون اجازه استفاده از سلاح را تجویز نماید، مأمور پلیس می‌تواند با رعایت مقررات از آن به‌عنوان آخرین راه‌حل و برای جلوگیری از اختلال در امنیت و آسایش عمومی مردم توسط افراد مجرم و تبه‌کار استفاده نماید (بورک<sup>۱</sup>: ۲۰۰۵: ۲۷۱). مأموران پلیس می‌توانند در تظاهرات غیرقانونی از ابزارهای مختلف برای پراکنده کردن تجمعات استفاده نمایند و باید حتی‌الامکان سعی کنند از خشونت اجتناب ورزیده و با آرامش با معارضین برخورد نمایند و لذا قانون‌گذار نیروی سعی نموده حقوق شهروندی را در قبال نیروی قاهره پلیس محترم شمرده و به آن اولویت دهد، اما چنانچه در جرایم سازمان‌یافته و حرفه‌ای به پلیس اجازه می‌دهد تا با رعایت شرایط قانونی از ابزارهایی که در اختیار دارد از جمله سلاح گرم برای متوقف کردن مجرم و دستگیری مظنونین استفاده نماید ولی باین حال نیروی پلیس را از انجام کاری غیرقانونی و فراتر از قانون باز می‌دارد (کامینسکی<sup>۲</sup>: ۲۰۰۴: ۳۲۰).

مقرراتی که در بردارنده شیوهی توسل به زور و سلاح توسط پلیس دانمارک هست، در قانون اعمال پلیس دانمارک<sup>۳</sup> که از اول اوت ۲۰۰۴ میلادی لازم‌الاجرا شده به‌طور روشن تبیین و تشریح شده است و مقررات اصلی و مهم که به استفاده از سلاح گرم توسط پلیس دانمارک می‌پردازد در مواد ۱۶ و ۱۷ قانون فوق‌الذکر مورد اشاره قرار گرفته است. ماده ۱۶ قانون اعمال پلیس در دو بند به این مسئله می‌پردازد. بر اساس بند ۱ ماده ۱۶ پلیس می‌تواند از نیروی زور صرفاً زمانی استفاده نماید که انجام این امر ضرورت داشته و قابل توجیه باشد و تنها با ابزار و نیز تا درجه‌ای می‌تواند مبادرت به این کار کند که به‌نوعی از نظر معقول و متعارف بودن با موضوعی که نیروی پلیس به دنبال حمایت و حفاظت از آن است تناسب داشته باشد. هرگونه ارزیابی برای قابل توجیه بودن چنین استفاده از زوری باید با لحاظ کردن میزان خطر و ضرری که برای عده‌ای که مدنظر نیروی پلیس هستند یا اشخاص ثالثی که خارج از موضوع قرار دارند انجام گیرد. بر اساس بند ۲ ماده ۱۶ توسل به زور باید باملاحظه

1. Burke

2. Kaminski

3. Danish Act on Police Activities

قابلیت توسل به آن با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص باشد و با به حداقل رساندن آسیب‌های بدنی باشد.

ماده ۱۷ قانون پلیس دانمارک در ۳ بند تنظیم شده است که بند ۱ آن خود در ۳ بخش بیان شده است. بند ۱ ماده ۱۷ مقرر می‌دارد به کارگیری سلاح گرم تنها زمانی است که: الف) برای جلوگیری از حمله خطرناک که در حال انجام یا قریب‌الوقوع است. ب) برای جلوگیری از خطر قریب‌الوقوع برای جان و زندگی افراد یا تحمیل آسیب‌های شدید بدنی برای آن‌ها. ج) برای تأمین امنیت افرادی که بر اساس جهات معقول تردید دارند که یک تهدید خطرناک نسبت به شخص دیگری انجام می‌شود یا در حال شروع است؛ مگر اینکه تهدیدی که چنین افرادی آن را ادعا می‌کنند اساساً وجود خارجی نداشته باشد.

بند ۲ ماده ۱۷ نیز اشعار می‌دارد: قبل از اینکه پلیس اقدام به تیراندازی‌ای نماید که خطر ایجاد آسیب‌های جانی برای شخص وجود داشته باشد، شخص موردنظر باید تا جایی که امکان آن وجود دارد از این نیت پلیس آگاهی یابد. ابتدا باید با صدای بلند هشدار دهد و سپس در صورتی که این عمل پلیس کارساز نشد با تیراندازی به سوی آسمان اقدام نماید که پلیس قصد تیراندازی دارد؛ و همین‌طور باید این تضمین برای پلیس حاصل شود که فرد تحت تعقیب قادر به آگاهی از علایم هشداردهنده مأمور پلیس بوده است.

بند ۳ ماده ۱۷ نیز مقرر می‌دارد در مواردی که خطر آشکاری از جهت آسیب رساندن به اشخاص ثالث وجود دارد، به کارگیری سلاح باید به‌عنوان آخرین راه‌حل مورد استفاده قرار گیرد.

بر اساس بند ۵ ماده ۱۷ اگر پلیس به سوی فرد مظنون تیراندازی نماید و این امر منجر به آسیب‌های بدنی شخص موردنظر شود باید در اسرع وقت فرد مجروح را برای انجام معالجات به دکتر منتقل کنند.

مأموران پلیس دانمارک موظف‌اند، هرگونه استفاده از سلاح گرم را به مقامات مافوق خود گزارش دهند که این امر با پر کردن فرم‌هایی است که در آن‌ها حقایق و اوضاع و احوالی که در جریان حادثه اتفاق افتاده است و دلایلی که سبب اقدام مأمور

پلیس شده‌اند، انجام می‌گیرد (اولسن<sup>۱</sup> ۲۰۰۸: ۲).

### ۳-۳- از منظر حقوق برخی کشورهای غیر رومی ژرمنی (استفاده از سلاح

توسط پلیس در کانادا، بریتانیا، ایالات متحده، هندوستان، مالزی، فیلیپین)

تا چند دهه پیش سلاح مورد استفاده برای افسران پلیس در سراسر جهان، حمل و استفاده از سلاح‌های گرم برای دستگیری متهمان بوده است؛ اما بعداً با پیشرفت علم، اندیشمندان این حوزه به این فکر افتادند از ابزارهای غیرکشنده غیر از سلاح گرم برای سازمان پلیس و مأموران زیرمجموعه‌شان استفاده نمایند (یاکاسویچ<sup>۲</sup> ۲۰۰۹: ۱). در طول دوران میانی قرن ۱۹ میلادی، افسران پلیس دو کلان شهر آن زمان در ایالات متحده یعنی نیویورک و بوستون عمدتاً برای مقابله با مجرمین و خلاف کاران از باتون‌های چوبی استفاده می‌کردند. کمی بعدتر در همین قرن، سازمان‌های پلیس در آمریکا شروع به دادن سلاح‌های گرم به مأموران تحت امر خود برای دستگیری و تعقیب مظنونین نمودند. باین حال گرچه امروزه، استفاده از سلاح‌های گرم برای افسران پلیس امری مطلوب و به‌اندازه کافی پاسخگو است، لیکن هنوز هم بر استفاده از سلاح‌های غیرکشنده از جمله باتون و سلاح‌های سرد در مواجهه با مظنونین به جای سلاح گرم تأکید می‌شود و به مأموران پلیس توصیه می‌شود حتی الامکان از ابزارهای مهلک و آسیب‌رسان پرهیز کنند (هولدر<sup>۳</sup> ۲۰۱۱: ۱).

### ۳-۳-۱- در کانادا، بریتانیا و ایالات متحده

بسیاری از شرایط وجود دارد که استفاده از زور و سلاح را برای نیروهای پلیس قانونی و مشروع خواهد نمود. در واقع، حتی در جوامع توسعه‌یافته نیز پلیس از طریق اختیار قانونی‌اش در توسل به زور نسبت به شهروندان متخطی شناخته می‌شود و در کشوری مثل هندوستان<sup>۴</sup>، وظایف و اختیارات پلیس در به‌کارگیری و استفاده از زور و سلاح در قانون اساسی این کشور آمده است و به‌وسیله قوانین دیگر همچون قواعد داخلی و

1.Olsen  
2.Yakasovich  
3.Holder

۴- لازم به ذکر است تا سال ۲۰۱۱ پلیس هندوستان چیزی در حدود ۲۴۰۰۰۰۰ نفر افسر پلیس اعزام از مرد و زن را در اختیار خود دارد (IISS 2011; NCRB 2011).

آیین دادرسی، شرایطی که پلیس می‌تواند به خشونت و زور متوسل شود به‌طور مفصل تشریح شده است (تیوسف<sup>۱</sup> ۲۰۱۲: ۱). در کشور هندوستان عوامل متعددی همچون اوضاع بد اقتصادی، درگیری‌ها و نزاع‌های قومی، مذهبی موجب شورش‌های غیرقانونی و تظاهرات خشن مردم می‌گردد و سبب می‌شود مردم در پی خواسته‌های خود به اعمالی مغایر با قانون دست زنند (اسوامی<sup>۲</sup> ۲۰۱۰: ۲۱). و از طرفی در سطح جامعه نیز افراد متخلف و تبهکاران قانون‌شکن برای گریز از دستان پلیس به هر عمل غیرقانونی متوسل می‌شوند که گاهی امنیت جانی و مالی خود پلیس و دیگر افراد را به مخاطره می‌اندازد، لذا توسل به زور و نیز در موردی به‌کارگیری سلاح را برای پلیس مجاز می‌سازد (کومار<sup>۳</sup> ۲۰۰۸: ۳۲).

در کشوری همچون کانادا که به نوعی از نظام کامن‌لا تبعیت می‌کند نیز استفاده از زور و در موارد ضروری به‌کارگیری سلاح برای مقابله با تبهکاران حرفه‌ای که مخل امنیت ملی و عمومی هستند و نیز افرادی که باعث سلب آسایش مردم می‌شوند، در قانون مجاز شناخته شده است. البته این مشروعیت برای افسران پلیس صرفاً در موارد ضروری که قانون تجویز نماید و برای دفاع از خود و شهروندان در برابر مهاجم خطرناک امکان‌پذیر است و خارج از موارد مزبور برای سازمان پلیس و مأمور متبوع او مسئولیت حقوقی و کیفری در پی خواهد داشت (هماتی<sup>۴</sup> ۲۰۰۶: ۲۵).

پلیس بریتانیا به ندرت سلاح اعم از گرم یا سرد را خود حمل می‌کنند، مگر اینکه شرایط ویژه و خاصی این امر را ایجاب نماید. مأموران پلیس در شرایطی که استفاده از سلاح مجاز است آن را به کار می‌گیرند و آن‌ها غالباً مجهز به باتون، دستبند و اسپری گازی می‌باشند. اگرچه کشور انگلستان، ولز و اسکاتلند از مقررات مشابه در خصوص به‌کارگیری سلاح توسط پلیس برخوردار هستند، لیکن این موضوع در خصوص کشور ایرلند صدق نمی‌کند و از قوانین متفاوتی تبعیت می‌کند و حتی قبل از اینکه رابرت پیل به خاطر شهرتش در ایجاد سازمان پلیس در شهر لندن شناخته

---

1. Tauseef  
2. Swami  
3. kumar  
4. Hemmati

شود، قبل از آن این تشکیلات را در ایرلند پایه‌گذاری نمود (استنینگ<sup>۱</sup> ۲۰۰۳: ۲۴-۲۳).

### ۳-۴- قواعد حقوق ایران در خصوص شرایط و اصول به‌کارگیری سلاح توسط پلیس

#### ۳-۴-۱- شرایط و اصول به‌کارگیری سلاح

بعضی مأموران پلیس در ایران در خصوص تیراندازی به‌سوی متهمان، مجرمان و وسایل نقلیه معتقدند که در هر صورت قادر به استفاده از سلاح خود می‌باشند. لیکن، باید متذکر شد که این تصویری خطا و به‌غایت خطرناک است که در ذهن برخی مأموران پلیس وجود دارد، چراکه وظایف و اختیارات مأموران در امر تیراندازی به تشخیص قانون‌گذار بوده و مأموران فقط در چارچوب ضوابط و مقررات می‌توانند به‌سوی هدف تیراندازی کنند. به‌عبارت‌دیگر، تعیین شرایط تیراندازی بر عهده قانون است (رضوی ۱۳۹۱: ۳۰۱). بر همین اساس، معمولاً وقتی صحبت از قانون به‌کارگیری سلاح می‌شود، در ذهن مأموران مسلح این سؤالات مطرح می‌شود که اولاً، مأموران انتظامی در چه مواردی حق تیراندازی داشته یا مکلف به تیراندازی هستند؟ ثانیاً، مأموران انتظامی در موارد مربوطه چگونه و با رعایت چه شرایطی باید تیراندازی کنند؟ در پاسخ به سؤال اول باید به موارد زیر توجه داشت: اولاً، مقررات قانون به‌کارگیری سلاح فقط در قلمرو امور کیفری حکومت می‌کند. ثانیاً، امور کیفری فقط آن دسته از اعمال مجرمانه را شامل می‌شود که در این قانون به‌صورت انحصاری احصاء شده است؛ بنابراین به‌کارگیری سلاح فقط در خصوص کسانی است که یا در ارتباط با موارد هفده‌گانه ذیل مواد ۳ و ۶ مرتکب اعمال مجرمانه شده‌اند یا اینکه با توجه به قراین و امارات به‌صورت قریب‌الوقوع قصد دارند اعمال مجرمانه مرتبط با این موارد را مرتکب شوند.

در حقوق ایران، خود مأموران برای استفاده از سلاح باید شرایطی از جمله سلامت جسمانی، آموزش لازم، تسلط کامل بر سلاح مورد‌استفاده و ... را داشته باشد که در ماده ۲ قانون به‌کارگیری سلاح به آن‌ها اشاره شده است. در صورت وجود شرایط فوق‌الذکر، مأموران پلیس با حصول یکی از شرایط ده‌گانه ماده سه یا در صورت وجود

یکی از موارد مواد ۴، ۵ و ۶ قانون به کارگیری سلاح حق استفاده از سلاح را در موارد ضروری خواهند داشت. در صورتی که یکی از وضعیت‌های لازم برای به کارگیری سلاح وجود داشته باشد، مأمور پلیس باید ببیند چاره‌ای جز به کارگیری سلاح نداشته باشد و در صورت احراز ضرورت باید رعایت مراتب تیراندازی که در تبصره ۳ ماده ۳ قانون به کارگیری سلاح آمده است را مراعات نماید.

در حقوق ایران، مقررات به کارگیری سلاح توسط نیروی پلیس در قانونی که در سال ۱۳۷۳ در این خصوص تصویب شده، مورد اشاره قرار گرفته است. با توجه به موارد هفده‌گانه قانون به کارگیری سلاح و با رعایت اصولی کلی حقوقی مرتبط با این مواد، اصول استخراج از این قانون عبارت‌اند از:

۱- اصل بر این است که: «مأمورین مسلح، مأموریت‌های محوله را بدون به کارگیری سلاح اجرا کنند، مگر در مواردی که قانون تجویز کرده است».

۲- اصل بر این است که: «مأموران مسلح در مواردی که در استفاده از سلاح مجاز هستند در صورتی می‌توانند آن را به کار برند که چاره‌ای جز استفاده از آن را نداشته باشند».

۳- اصل بر این است که: «مأموران مسلح در مواردی که در به کارگیری سلاح مجاز هستند، در صورتی از سلاح می‌توانند استفاده کنند که ضرورت استفاده از سلاح را احراز نمایند».

۴- اصل بر این است که: «مأمور مسلح در موارد مجاز به کارگیری سلاح، باید مراتب تیراندازی را رعایت کند».

۵- اصل بر این است که: «مأمور مسلح در موارد مجاز به کارگیری سلاح، باید مواظب باشد که اقدام وی به فوت متهم منجر نشود».

۶- اصل بر این است که: «مأموران مسلح باید مواظب باشند به اشخاص ثالثی که در ماجرا دخیل نیستند، آسیبی نرسد».

۷- اصل بر این است که: «مأموران مسلح در موارد مجاز به کارگیری سلاح، در صورتی می‌توانند از سلاح استفاده کنند که از تسلط و مهارت لازم و کافی برخوردار باشند».

۸- اصل بر این است که: «مأموران مسلح باید دستورات قانون به کارگیری سلاح را



بر دستورات مافوق مقدم بدانند».

در توضیح مورد اخیر، لازم به ذکر است که به‌موجب عبارت «حق به‌کارگیری سلاح» مذکور در مواد (۳) و (۴) ق.ب.س و عبارت «مجازند از سلاح استفاده نمایند»، مذکور در ماده ۵ ق.ب.س و عبارت «مجاز است» مذکور در ماده (۶) ق.ب.س، می‌توان چنین نتیجه گرفت که با توجه به احراز شرایط قانونی تیراندازی و احراز ضرورت آن به عهده مأموریت، تیراندازی نمی‌تواند یک تکلیف صرف و مطلق برای مأمور تلقی شود. همچنین باید متذکر شد که حسب دستور مافوق مبنی بر تیراندازی، تکلیفی برای مأمور مسلح به‌منظور تیراندازی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا بررسی، تجزیه و تحلیل دستور و رعایت قانون به‌کارگیری سلاح، به عهده مأمور مسلح، مجری دستور مافوق است و صرف دستور مقام مافوق، مجوزی برای تیراندازی برخلاف قانون به‌کارگیری سلاح نیست. در این ارتباط، اجرای امر غیرقانونی آمر توسط مأمور در ماده ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ چنین مقرر شده است: «هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند لکن مأموری که امر آمر را به‌علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد، مجازات نمی‌شود و در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است».

۱- اصل بر این است که: «مصادیق مذکور در قانون به‌کارگیری سلاح حصری است نه تمثیلی».

۲- اصل بر این است که: «مأموران مسلح باید تناسب بین اتهام وارده و به‌کارگیری سلاح را رعایت کنند».

۳- اصل بر این است که: «مأموران مسلح باید توسط رؤسا و فرماندهان مربوطه در ارتباط با مأموریت‌های محوله توجیه و آموزش‌های لازم را گذرانده و مجهز به سلاح متناسب با مأموریت محوله باشد».

۴- اصل بر این است که: «مأموران مسلح پس از به‌کارگیری سلاح در چارچوب قانون باید توسط سازمان مسلح مورد حمایت قضایی قرار گیرند» (بارانی ۱۳۸۶: ۷۸).

### ۳-۴-۲- ابهامات و اشکالات قانون به کارگیری سلاح در حقوق ایران

گرچه قانون به کارگیری سلاح بسیاری از موارد مرتبط با استفاده از سلاح توسط پلیس ایران را پوشش داده است، ولی مسلماً خالی از عیب و نقص نیست که باید به آن توجه نمود. در اینجا به برخی از این ابهامات اشاره می‌شود که امید این است در اصلاح قانون مزبور به این مسایل توجه جدی شود.

آیا این قانون مخصوص زمانی است که وضعیت عادی و معمولی بر شرایط کشور حاکم است یا اینکه در وضعیت فوق‌العاده‌ای همچون وقوع شورش یا جنگ مسلحانه نیز کاربرد خواهد داشت؟ مسئله‌ای که در این قانون مورد اشاره قرار نگرفته است. در این قانون به این مطلب که آیا در مورداستفاده از سلاح‌های سنگین یا نیمه سنگین مانند توپ یا آرپی‌جی نیز همین قواعد اعمال می‌گردد یا خیر، اشاره‌ای نشده است.

در این قانون نحوه تیراندازی به‌سوی وسایل نقلیه دریایی و هوایی و همچنین تیراندازی در داخل هواپیما تبیین نگردیده است.

رعایت اصل تناسب در این قانون به‌خوبی بیان نگردیده است، به‌عنوان مثال در مواردی همچون سرقت یک جلد کتاب آیا مأمور پلیس حق استفاده از سلاح خود را خواهد داشت یا خیر؟

حدود و ثغور مسئولیت فرماندهان در صورتی که سلاحي را در اختیار مأموری قرار دهند که آموزش کافی و لازم را ندیده باشد در ماده ۹ قانون به‌کارگیری سلاح مشخص نشده است.

مفهوم و ابعاد شورش مسلحانه در ماده ۵ قانون به‌کارگیری سلاح به‌خوبی تبیین نشده است و مأمور پلیس را در اجرای وظایف خود در این‌گونه موارد دچار سردرگمی خواهد نمود.

حدود مسئولیت کیفری و مدنی مأموری که اقدام به تیراندازی نموده و نیز مسئولیت حقوقی امر او همچنین مواردی که آسیب جانی و مالی نتیجه تقصیر مشترک جمعی باشد، در این قانون مسکوت مانده است.

در مورد تیراندازی به‌سوی افرادی که تحت نظر قرار گرفته‌اند خلأ قانونی وجود دارد.

در ماده ۳ این قانون پیش‌بینی شده که مأمور پلیس حق تیراندازی به‌سوی برخی مرتکبین جرایم را دارد، اما جرایم مهمی همچون جاسوسی و آدم‌ربایی و مواردی از این دست مغفول مانده است.

در ماده ۶ قانون به کارگیری سلاح، در خصوص تیراندازی به‌سوی وسایل نقلیه به‌منظور متوقف ساختن آن‌ها این ابهام وجود دارد که آیا مأموران قبل از تیراندازی حتماً باید ایستگاه ایست و بازرسی ایجاد نمایند و چنانچه به انجام این کار مبادرت نورزند حق استفاده از سلاح و تیراندازی را نخواهند داشت؟

ضمانت اجرای عدم رعایت مفاد مواد ۲، ۸، ۹ و ۱۰ قانون به کارگیری سلاح توسط قانون‌گذار بیان نشده است. به‌طور مثال، اگر فرمانده سلاحی در اختیار مأمور قرار دهد که متناسب با موضوع مأموریت وظیفه مأمور نباشد چه ضمانت اجرایی وجود دارد. از خلأهای دیگر این قانون می‌توان به عدم تصویب آیین‌نامه اجرایی تبصره ۳ ماده ۴ و تبصره ماده ۱۱ و تبصره ۳ ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۳ قانون مذکور اشاره کرد.

ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی بند ۵ ماده ۳ قانون به کارگیری یگان را مکلف دانسته بعد از هر تیراندازی منجر به قتل یا جرح زندانی یا بازداشتی زندانی متواری، کمیسیون کارشناسی جهت بررسی قانونی یا غیرقانونی بودن تیراندازی تشکیل و کمیسیون مذکور نظر خود را اعلام نماید. این موضوع در اصل قانون نیامده است و در نتیجه منجر به این باور در برخی از نیروهای پلیس شده که مفاد این آیین‌نامه خاص در مورد کل قانون قابلیت اجرایی خواهد داشت.

موارد فوق‌الذکر از جمله ابهاماتی است که در قانون به کارگیری سلاح به چشم می‌خورد و باید با بررسی کارشناسان حوزه سلاح در این خصوص نواقص موجود برطرف شود.

### نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مسائلی که از مطالعه مباحث مربوط به کاربرد سلاح در حقوق کشورهای رومی ژرمنی استنباط شد این بود که اساساً در کشورهای پیشرفته و توسعه‌یافته اروپایی یکی از موضوعاتی که به آن اهمیت قابل توجهی داده می‌شود و

اثرات بسیار مثبت و سازنده‌ای هم به‌جای گذاشته است، مقوله آموزش نحوه استفاده از سلاح و چگونگی تیراندازی از سوی مأموران پلیس است. مسئله آموزش نیروهای پلیس در کشورهای رومی ژرمنی بسیار جدی، پایه‌ای و مهم تلقی می‌شود. به‌طور کلی برای کسانی که می‌خواهند به‌عنوان پلیس اجازه حمل و استفاده از سلاح را داشته باشند، دو مرحله مهم برای آموزش آن‌ها در نظر گرفته می‌شود: مرحله مقدماتی و مرحله پیشرفته. در مرحله مقدماتی، به نیروی پلیس اصول اولیه و کلی که در این بخش نیروی پلیسی که اجازه حمل سلاح به او داده خواهد شد، مباحث تئوریک و نظری استفاده از سلاح را آموزش خواهند داد و کلاس‌هایی برای این منظور آماده می‌شود که افسران پلیس باید در آن شرکت نمایند. پس از گذراندن مرحله مقدماتی، افسران پلیس باید مراحل پیشرفته و نهایی استفاده از سلاح را به‌خوبی آموزش ببینند و اطلاعات و تخصص خود را در این حوزه کامل نمایند. در این مرحله آموزش‌های عملی استفاده از سلاح توسط مأموران پلیس فراگیری خواهد شد و با گذراندن دوره‌های سخت و طاقت‌فرسا نحوه به‌کارگیری سلاح را به‌خوبی یاد خواهند گرفت؛ اما در مجموعه پلیس ایران، این سبک و سیاق در خصوص آموزش نیروی پلیس که حق استفاده از سلاح و به‌کارگیری آن را در شرایط مختلف دارند، وجود ندارد. درست است که در سطوح بالاتر افسران و درجه‌داران نیروی انتظامی در ایران، افراد باتجربه‌تری وجود دارند که نحوه استفاده از سلاح را به‌مراتب بهتر از افراد تازه‌وارد و کم‌تجربه‌تری می‌دانند، اما باید به این نکته مهم توجه داشت که استفاده از سلاح توسط پلیس فقط در افراد زنده‌ای که در کلانتری‌ها و مراکز نظامی بزرگ کار می‌کنند خلاصه نمی‌گردد، بلکه افرادی هم باید باشند که در برجک‌ها، پاسگاه‌ها، گشت‌های روزانه و در برخی جاهای دورافتاده و فاقد امکانات نیز سلاح حمل نمایند و در موقع لزوم از آن استفاده نمایند. در کشور ما در بخش‌های مختلف نظامی، متأسفانه در این قسمت‌ها از افرادی که تازه به خدمت نظام‌وظیفه دوره ضرورت آمده‌اند، استفاده می‌گردد و همین عامل در بروز بسیاری از مشکلاتی که این قبیل افراد بی‌تجربه و ناآگاه در اثر استفاده از سلاح ایجاد می‌شود، دخیل است. اساساً استفاده از سلاح در مواقع حیاتی و مهم فقط مستلزم این نیست که شخص بداند سلاح چیست و نحوه استفاده از آن چطور است و چگونه قابل شلیک خواهد بود.

استفاده از سلاح در مواقع ضروری صرفاً شامل مرحله از قوه به فعل درآوردن قابلیت یک اسلحه نیست. مأمور نمی‌تواند بی‌حساب ماشه تفنگ را به سوی دیگری بگشاید و او را مورد هدف قرار دهد. اگر این کار را انجام دهد چند مشکل اساسی پیش خواهد آمد:

اول اینکه، نیروی پلیس با این کار جان یک فرد را که محتمل است بی‌گناه نیز باشد گرفته است یا اینکه به او آسیب جدی وارد کرده است که ممکن است حتی تا آخر عمر خود نیز مجبور باشد با نقص جسمی ادامه حیات دهد.

دوم اینکه، با تیراندازی به سوی فرد مظنون و آسیب رساندن به او یک خانواده را آسیب جدی خواهد زد؛ حالا یا خانواده‌ای که سرپرست او است یا خانواده‌ای که او از آن‌ها سرپرستی می‌کرده که تالی فاسد و آسیب‌های بعدی این کار نیز غیرقابل‌پیش‌بینی و حتی گاهی جبران‌ناپذیر خواهد بود.

سوم اینکه خود مأمور پلیس نیز با تیراندازی غالباً از روی اشتباه و عدم رعایت موازین قانونی موجب به دردرس افتادن خود و خانواده خود نیز به نوعی خواهد شد و بازتاب بسیار بدی خواهد داشت.

چهارم اینکه با تیراندازی غیرقانونی و استفاده نادرست از سلاح، سبب می‌شود از منظر اجتماعی نیز کسانی که به نیروی پلیس به‌عنوان یک نیروی مطمئن و قابل‌اعتماد نگاه می‌کردند که باید در خدمت شهروندان و حفظ جان و مال و ناموس آن‌ها قرار داشته باشد، نگاهی بدبینانه پیدا خواهند کرد و اعتماد خود را از دست خواهند داد که این امر برای مجموعه پلیس یک کشور نیز نمی‌تواند چندان جالب‌توجه و مطلوب باشد.

با توجه به مطالعات انجام‌گرفته پیشنهاد می‌شود در حقوق ایران نیز برای کسانی که مجاز به حمل سلاح به‌عنوان یک پلیس هستند نیز گذراندن مراحل مختلف یادگیری و آموزش استفاده از سلاح را به‌عنوان یک امر الزامی مقرر بدارند و بسته به مأموریت‌های مختلفی که ممکن است نیروی پلیس داشته باشد، افراد متخصص در استفاده از سلاح را متناسب با میزان توانایی و تجربه‌شان به مأموریت‌های مختلف پلیسی اعزام نمایند. در کشورهای رومی ژرمنی یک از مواردی که به کثرت مشاهده‌شده این بود که در خصوص به‌کارگیری سلاح توسط نیروی پلیس، مأموران

باید این امر را همواره آویزه گوش خود قرار دهند که استفاده از سلاح تحت هر شرایطی باید به‌عنوان آخرین راه‌حل و آخرین اقدام به‌کار گرفته شود و لذا ابتدا باید به‌خوبی تشخیص دهند که آیا شرایط به‌کارگیری سلاح در آن وضعیت خاص وجود دارد یا خیر و پس از احراز این امر باید به این نکته توجه نمایند که به‌کارگیری سلاح باید با لحاظ سلسله مراتبی که توسط قانون بیان شده است صورت گیرد و در صورتی که هر یک از مراحل کارساز نشد مرحله بعد را به اجرا درآورند. در کشورهای رومی ژرمنی این به‌عنوان یک امر مسلم پذیرفته شده است که اگر بین خسارت ناشی از تیراندازی نادرست و فرار متهم تردید شود، نیروی پلیس باید سعی نماید از تیراندازی امتناع ورزد و جان یک انسان را حتی اگر خلاف کار نیز باشد محترم شمرد؛ چراکه جبران خسارت ناشی از تیراندازی ناصحیح بسیار سخت‌تر از دستگیری مجدد مظنون فراری است. در مجموعه مقررات پلیس کشورهای رومی ژرمنی، نحوه تیراندازی توسط پلیس در مکان‌های مختلف اصول خاص خود را دارد و بسته به شرایط آن نحوه استفاده از سلاح نیز فرق خواهد نمود؛ به‌عنوان مثال، نحوه به‌کارگیری سلاح و تیراندازی به‌سوی مظنونین در کشتی‌ها و هواپیماها قاعداً متفاوت با آن چیزی است که روی زمین و مکان‌های شهری و روستایی اعمال می‌شود. پیشنهاد می‌گردد این رویه در حقوق ایران نیز اجرایی شود. نوع اسلحه‌ای که در بیشتر کشورهای رومی ژرمنی توسط مأموران پلیس مورد استفاده قرار می‌گیرد بسته به نوع مأموریت متفاوت خواهد بود. دفاع مشروع در حقوق کشورهای رومی ژرمنی شامل تمام اقسام دفاع از جان، مال، آبرو و ناموس و ... می‌شود، درحالی‌که دفاع مشروع مسلحانه در حقوق ایران صرفاً به مسایل حفاظت از جان بیشتر توجه کرده است و لذا پیشنهاد می‌گردد، دفاع مشروع دامنه گسترده‌تری را در برگیرد. در کشورهای رومی - ژرمنی، با توجه به گسترش مفهوم مسئولیت جمعی و تضامنی، سعی می‌شود حتی اگر مأمور پلیس مقصر باشد نیز سازمان متبوع مسئول جبران خسارت جانی مالی قرار گیرد و با توجه به قدرت جبران خسارتی که دارد مسئولیت جبران در ابتدا بر عهده شخص حقوقی که سازمان پلیس باشد قرار می‌گیرد و بر اساس مسئولیت تابع و متبوع بعداً به مأمور مسئول مراجعه گردد.

## منابع

- بارانی، محمد (۱۳۸۶)، **روش تدریس کاربرد قانونی سلاح**، چاپ اول، تهران: معاونت آموزش ناجا.

- راجرز، آنتونی و مالرب، پل (۱۳۸۷)، **قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه**، ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.

- رضوی محمد (۱۳۹۱)، **جرایم و مجازات‌های نیروهای مسلح به انضمام کاربرد قانونی سلاح**، چاپ ششم، تهران: مرکز چاپ و نشر ساعس ناجا.

- هابرفیلد، ام.آر. (۱۳۸۶)، **مسایل حیاتی در آموزش پلیس**، مترجم احسان جنابی، چاپ اول، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.

- Adams, Kenneth(1999), **What We Know About Police Use of Force**, Use of Force by Police, Overview of National and Local Data, U.S. Department of Justice Office of Justice Programs 810 Seventh Street N.W. Washington, DC 20531.

- Alpert, G. and J. MacDonald (2001), **Police use of force: An analysis of organizational characteristics**, Justice Quarterly, Vol. 18, pp. 393-409.

- Anderson, J. (2010), **Police shooting in the netherlands: incidence, practice and examination**, Anxiety and Police Officers' Shooting Behavior.

- Ayres, Ian (2003), **Shooting Down the "More Guns Less Crime" Hypothesis**, STANFORD LAW REVIEW, Vol. 55:1193.

- Bharti, Dalbir (2006), **Police and People Role and Responsibilities**, Published by S.B. Nangia A P H Publishing Corporation 5 Ansari Road, Darya Ganj New Delhi- 110002, 1st Edition.

- Blackburn A. Maj Dale (2003), **a national policy for deterring the use of weapons of mass destruction**, The Directorate of Research, Air Command and Staff College.

- Brian, von(2011), **the German code of criminal procedure StOP**, Auf der Grundlage der Übersetzung von Brian Duffett und Monika Ebinger Aktualisierung der Übersetzung durch Kathleen Müller-Rostin Original translation by Brian Duffett and Monika Ebinger.

- Burke, R. and A. Mikkelsen, Burnout (2005), **job stress and attitudes towards the use of force by Norwegian police officers**, Policing: An International Journal of Police Strategies and Management, Vol. 28(2), 269-278.

- Butty, Violaine (2005), **Common Law and Continental Law: Two Legal**

- Systems, Tip Sheet (Summarised Version)**, this project was mandated and funded by the Swiss Agency for Development and Cooperation. based on a text by Professor Thomas Fleiner, Director Institute of Federalism, Fribourg
- Caro, Andres G. (2010), **Philippine national police operational procedures**, Philippine national police manual PNP- DO- DS, 31.
  - Feltes, T., & Punch, M. (2005), **Good people, dirty work? Wie die Polizei die Wissenschaft und Wissenschaftler die Polizei erleben und wie sich Polizeiwissenschaft entwickelt**, Monatsschrift für Kriminologie und Strafrechtsreform, 88, 26-45.
  - Friesendorf, Cornelius (2012), **International Intervention and the Use of Force: Military and Police Roles**, DCAF a centre for security, development and the rule of law, ISBN 978-92-9222-202-4, The Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces.
  - Hemmati, Toni (2006), **The Nature of Canadian Urban Gangs and Their Use of Firearms: A Review of the Literature and Police Survey** June 7, rr07-1e, Department of Justice Canada or the government of Canada.
  - Holder, Eric H.(2011), **Police use of force, Tasers and other less- lethal weapons**, Office of Justice Programs Innovation, Partnerships, Safer Neighborhoods, U.S. Department of Justice Office of Justice Programs 810 Seventh Street N.W. Washington, DC 20531. Tasers.
  - Hudig, Kees (2012), **Analysis Netherlands: Increased use of firearms by Dutch police**, this article was first published in Statewatch journal volume 22 no 2/3.
  - Johnson, Jeffrey L. (2007), **Use of Force and The Hollywood Factor**, AELE monthly law journal, Mo. L. J. 501 Special Articles Section.
  - Kaminski, R., C. Digiovanni and R. Downs (2004), **The Use of Force between the Police and Persons with Impaired Judgment**, Police Quarterly, Vol. 7(3), pp. 311-338.
  - Killengreen, Inglin (2010), **The Police in Norway (Engelsk)**, National Police Directorate Design: RMgrafika, ISBN 978-82-8256-000-9, POD publikasjon 2010/07 E.
  - Kumar, Vinod and Arvind Verma (2008), **Hegemony, Discipline and Control in the Administration of Criminal Justice in Colonial India**, Asian Journal of Criminology, Vol. 4, pp. 61-78.
  - Kwing, Hung(2006), **Statistiques sur les armes à feu**, Recherche et statistiques, Departement de Justice.
  - Ludwig, Jens et al(2003), **Evaluation des politiques sur les armes à feu (anglais seulement)**, Washington, D.C.: Brookings Institution Press.
  - Olsen, Frode Z. (2008), **the use of police firearms in Denmark**, multidisciplinary analysis of Danish police officers' use of firearms 1996-2006 with focus on the period 2002-2006, Copenhagen.
  - Perez, John G. (2003), **Principles of Good Policing: Avoiding Violence between Police and Citizens**, U.S. Department of Justice Community



Relations Service.

- Police Act 1967(2006), **Laws of Malaysia**, Act 344, Incorporating all amendments up to 1 January, Published by the Commissioner of Law Revision.

- Ramsey, Charles H. (2011), **A report on the workshop developing a use of force policy for the south African police service**, Emoyeni Conference Centre, Johannesburg, Hosted by The Centre for the Study of Violence and Reconciliation, the African Policing Civilian Oversight Forum and the Institute for Security Studies.

- Stenning, Philip C. (2003), **Police use of force and human rights**, Published by Criminology Research Centre Simon Fraser University, Burnaby, British Columbia Canada, V5A 1S6, Canadian Cataloguing in Publications Data, ISBN 0-86491-274-9.

- Stephen, Mastrofski and worden Robert (1995), **law enforcement in a time of community policing**, Beverly Hills publication, English.

- Swami, Praveen (2010), **the ugly world of Kashmir's online rebels**, The Hindu (Madras), 24 July.

- Tauseef, Mustafa(2012), **The Use of Force by India's Police**, Police officers salute during a wreath laying ceremony for a police officer killed by unidentified gunmen in Srinagar, small arms survey issue brief, number3.

- United Nations (2004), **Human Rights Standards and Practice for the Police**, Expanded Pocket Book on Human Rights for the Police, New York and Geneva.

- Watkin, Kenneth (2004), **Controlling the use of force: a role for human rights norms in contemporary armed conflict**, the American journal of international law, vol98:1.

- Wittie, Mark Curtis(2008), **Police Use of Force**, vol. 2 no. 1 PB&J, Sam Houston State University.

- Yakasovich, Katie (2009), **Taser Use in Canadian Police Forces Lethal Dependence on the "Non-Lethal" Weapon**, Acquired from the Canadian Legal Information Institute on March.

